



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

ای وحدت رویه دیوانعالی کشور

جمع تصویب: هیئت عمومی دیوانعالی کشور

ماره ویژه نامه: ۸۴۰

دوشنبه، ۲۸ دی ۱۳۹۴

سال هفتاد و یک شماره ۲۰۶۴۴

رای وحدت رویه شماره ۷۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع تأیید آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور به دلیل انطباق با ماده ۴ قانون مدنی در خصوص آراء محکومیت مرتکبین جرایم موادمخدر

۱۵/۱۰/۱۳۹۴

ماره ۸۹۸۴/۱۵۳/۱۱۰

دیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

ارش پرونده وحدت رویه ردیف ۹۴/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه مربوط و رأی آن به شرح ذیل تنظیم و جهت چاپ و نشر ایفاد می گردد.

معاون قضائی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

لمسة هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۹۴/۱۸ رأس ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۲۶/۸/۱۳۹۴ به استحضار حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسین کریمی رئیس دیوان عالی کشور و حضور حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابراهیم رئیسی دادستان کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی لریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور ی وحدت رویه قضائی شماره ۲۶/۸/۱۳۹۴-۷۴۵ منتهی گردید.

الف: گزارش پرونده

احتراماً معروض می دارد: به دلالت مفاد دادنامه های ۸۰۰۰۲۸ و ۶/۲/۱۳۹۴ و ۴/۵/۱۳۹۴-۴۰۰۰۰۱ شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور و دادنامه های ۹۰۰۰۰۸ و ۱۸/۵/۱۳۹۴ و ۱۹/۵/۱۳۹۴-۷۰۰۰۰۰۴ شعب چهل و پنجم و چهل و ششم دیوان الی کشور، با استناد به قوانین متفاوت، در موضوع مشابه (قابل تجدیدنظر بودن احکام مجازات غیر اعدام جرائم مواد مخدر) آراء ختلف صادر گردیده است که جریان پرونده های هر یک از شعب مرقوم به شرح ذیل منعکس می شود:

ی) در پرونده ۸۰۰۲۸۱ شعبه چهل و چهارم دیوان عالی کشور، آقای زیارت... به اتهام خرید مجموعاً ۱۳۶/۹۵۰ کیلوگرم تریاک بنا بر توه و کیفیت جاسازی مواد و دلایل استنادی به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۳۸۹ به مجازات حبس ابد و جزای نقدی به مبلغ چهارصد و سی و سه میلیون ال و ۷۴ ضربه شلاق و مصادره اموال محکوم شده است. از رأی صادره وکیل ایشان تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به دادستانی کشور ارسال و از آن طریق به دیوان عالی کشور واصل و به این شعبه ارجاع گردیده است.

یأت شعبه پس از قرائت گزارش آقای غلامعلی رضایی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای محمد باقر باقری دادیار وان عالی کشور اجمالاً مبنی بر اینکه پرونده قابل طرح و رسیدگی در دیوان عالی کشور، نمی باشد چنین رأی داده اند:

نظر به اینکه احکام صادره در مورد مواد مخدر غیر از اعدام قطعی و حق تجدیدنظرخواهی برای محکوم علیه در ق. م. م. پیش بینی نده است فقط در حدود مقررات ماده ۳۲ قانون، احکام صادره راجع به مواد مخدر در خصوص اعدام قابل تأیید یا نقض رئیس دیوان الی کشور می توانست قرار بگیرد، لذا در مورد احکام غیر اعدام با توجه به اینکه به موجب رأی ۶۲- ۶۱- ۶۱- ۳۱/۱/۱۳۹۴ هیأت مومی دیوان عدالت اداری ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که برای احکام قطعی مهلت ندیدنظرخواهی مقرر کرده بود ابطال گردیده و بنابراین، قبل از نسخ صریح ماده ۳۲ همان قانون مطابق ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی ففری جدید مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴ فقط به مدلول ماده ۳۲ ق. م. م. عمل می گردید و در قانون جدید بن دادرسی کیفری نیز در خصوص احکام قطعیت یافته هیچ موردی پیش بینی نشده است و در ماده ۴ قانون مدنی مقرر گردیده قانون سبت به ما قبل اثر ندارد و ماده ۹ قانون آیین دادرسی [دادگاه های عمومی و انقلاب در امور] مدنی نیز آرای صادره از حیث قابلیت

تراض و فرجامخواهی را تابع قانون مجری در زمان صدور آن دانسته است و ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص شیوة درسی، شامل احکام قطعی در زمان صدور آن نمی‌باشد، بنا بر مراتب فوق، فرجامخواهی فرجام‌خواه قابل رسیدگی در دیوان عالی شور نمی‌باشد. این رأی قطعی است.»

۱- در پرونده ۹۴۰۰۰۱ شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور نیز درباره دادنامه ۳۰۰۲۱۶-۱۳۹۲/۱۱/۱۴ تجدیدنظر خواسته، مشاوره بوده و طی دادنامه ۴۰۰۰۰۱-۱۳۹۴/۵/۴ به شرح زیر رأی داده‌اند:

مستنبط از رأی وحدت رویه شماره ۵۲۶ - ۱۹/۲/۱۳۶۸ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور، اثر قانون مطابق ماده چهار قانون دنی نسبت به آتیه است و به ما قبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی پیش‌بینی شده باشد و نظر به اینکه در نون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی برای درخواست تجدیدنظر محکوم علیه یا دادستان و .. برای احکام قطعی دادگاه‌های غلاب اسلامی در مورد جرائم مواد مخدر در نظر گرفته نشده و آراء دادگاه‌ها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون جری در زمان صدور آن می‌باشد و در تبصرة ماده ده قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته مقررات فوق در مورد قوانینی که برای دت معین یا موارد خاص وضع شده است مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی‌شود از این رو تجدیدنظرخواهی وکلای آقای بدالسلیم... نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۷۱۹۷۳۰۰۲۱۶ - ۱۴/۱۱/۱۳۹۲ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی لامرد ضمن محکومیت موکلشان به تحمل هجده سال و چهار ماه و پانزده روز حبس و جزای نقدی و شلاق به اتهام نگهداری بیست و دو یم هروئین به لحاظ قطعی بودن در زمان صدور حکم و نسخ ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به ویژه قسمت اخیر آن، بر قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده می‌شود، اما شعب چهل و پنجم و چهل و ششم دیوان عالی کشور طی ونده‌های ۹۰۰۰۱۸ و ۹۴۰۰۰۴، در نظیر مورد به اعتراضات واصله رسیدگی کرده‌اند که دادنامه‌های مربوط به هر کدام عیناً منعکس می‌شود:

دنامه ۹۰۰۰۰۸-۱۸/۵/۱۳۹۴ شعبه چهل و پنجم:

خصوص اعتراض دادیار شعبه هفتم دادرسی عمومی و انقلاب قزوین و نیز اعتراض و فرجامخواهی آقای علیرضا... وکیل آقایان هاد... و داود... نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۰۰۱۰۰۵ - ۲/۵/۱۳۹۲ صادر شده از شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی قزوین که طی نامبردگان به اتهام امحاء مقدار دو کیلوگرم مواد روانگردان شیشه به استناد ماده ۲۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند، با توجه به مجموع محتویات پرونده صورت جلسه مأمورین پلیس مبارزه با مواد مخدر قزوین و تحقیقات انجام شده از آنان در دادرسی که اعلام کردند پس از مشکوک شدن به نامبردگان در عوارضی شماره ۲ و باز کردن درب جلو و درو، پلاستیک حاوی دو کیلوگرم شیشه در جلو پای سرنشین خودرو مشاهده گردیده که قبل از برداشتن پلاستیک با دستور سرنشین پراپد راننده اقدام به فرار نموده و در تعقیب و گریز خودرو، پلاستیک حاوی مواد به بیرون پرتاب می‌شود.

بلع نظر از عدم کشف مواد مذکور و انکار نامبردگان از بدو دستگیری نظر به اینکه مواد مزبور قبل از امحاء در خودرو مشاهده شده، لذا هام متهمان مشارکت در حمل و نگهداری مواد مذکور می‌باشد، از این رو اعتراض دادیار شعبه هفتم دادرسی عمومی و انقلاب وین و نیز اعتراض وکیل نامبردگان وارد است، به استناد بند ۴ شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ دنامه موصوف در قسمت محکومیت آنان به اتهام شرکت در امحاء مواد نقض می‌شود و پرونده به شعبه هم‌عرض دادگاه سیدگی‌کننده ارجاع می‌گردد.

۱- دادنامه ۷۰۰۰۰۰۴-۱۹/۵/۱۳۹۴ شعبه چهل و ششم:

مورد اعتراض وکلای خانم عاطفه... و آقای اشکان... نسبت به دادنامه ۱۰۱۲۸۷-۲۳/۱۱/۱۳۹۲ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مدان مینی بر محکومیت هر یک از نامبردگان به مجازات حبس ابد، با محرز بودن کشف مواد مذکور در دادنامه از منزل تحت تصرف انم عاطفه...، انکار مالکیت خویش و انتساب آن به آقای محمد... و بیان این ادعا که در آن منزل مستاجر بوده و به جای پرداخت اجاره با برای موجر مواد موصوف را نگهداری کرده‌است موثر در مقام نبوده و از آن حیث که رکن مادی بزه نگهداری مواد مخدر ملازمه‌ای با لکیت آن ندارد و از اثبات برانث مشارالیها قاصر بوده و از جهت تشخیص عنوان جرم، ترتب کیفر و رعایت تشریفات دادرسی عاری از مکال مقتضی نقض می‌باشد، لذا مستنداً به بند الف ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی دادنامه جام خواسته را ابرام می‌نماید. دادنامه در قسمت مربوط به محکومیت آقای اشکان... واجد نقص در تحقیقات بوده و ذیلاً احصاء می‌گردد: ۱. گزارش اولیه ناظر به فعالیت خانم عاطفه... و آقای محمد... در توزیع مواد مخدر بوده و در مورد وضعیت اخلاقی اشکان... و نالیت داشتن در تهیه و توزیع مواد مخدر از مطلعین محل تحقیق نشده‌است. ۲. در مورد وجود علقه زوجیت موقت که در توجیه حضور ک در منزل خانم عاطفه ادعا شده است بررسی به عمل نیامده و به طور کلی در رفت و آمد مشارالیه به منزل یاد شده و ارتباط شتن با محمد... و عاطفه... از افراد مطلع تحقیق نشده‌است. ۳. علاوه بر سابقه محکومیت اشکان... موضوع دادنامه شماره ۹۰/۱۶۲-۱۱/۱۱/۱۳۹۰ مینی بر نگهداری شیشه و ... (صفحه ۴۴) سابقه اتهامی مذکور در ظهر برگ انگشت‌نگاری (صفحه ۱۰) از یت نتیجه ابهام دارد. ۴. با توجه به کشف دو عدد پایپ از مأمورین کاشف در خصوص مستعمل بودن آن، محل قرار داشتن مواد از یت در معرض دید بودن آن و عکس‌العمل محکوم علیه تحقیق نشده‌است. ۵. درخصوص نحوه امراض معاش نامبرده تحقیق و پرینت کالامات تلفنی مشارالیه در مدت دو ماه منتهی به کشف مواد و داشتن ارتباط تلفنی مکرر با دو نفر دیگر استعلام و مورد ارزیابی قرار رفته‌است، لذا معطوفاً به مراتب یاد شده و مستنداً به بند ۲ شق «ب» و تبصرة ذیل ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ این بخش از دادنامه فرجام‌خواسته نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌گردد.

مان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از دام را، قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آراء مورد بحث، آنها را غیر قابل طرح در دیوان عالی شور دانسته‌اند ولی شعب چهل و پنجم و چهل و ششم برخلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت‌های غیر از دام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظرخواهی‌های به عمل آمده در حدود مقررات ماده ۴۶۹ نون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده‌اند که چون با این ترتیب شعب مختلف دیوان عالی کشور استناد به مواد مختلف قوانین در موضوع واحد، آراء مختلف صادر کرده‌اند و مرجع دیگری غیر از هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای ل این قبیل معضلات به نظر نمی‌رسد، لذا مستنداً به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، طرح موضوع را برای صدور رأی وحدت یه قضایی تقاضا می‌نماید.

حسین مختاری - معاون قضایی دیوان عالی کشور

ب: نظریه دادستان کل کشور

حتراماً؛ در خصوص جلسه مورخ ۲۶/۸/۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع رسیدگی به پرونده وحدت رویه ردیف ۹۴/۱۸ لر خود را جهت استحضار حضرت عالی و قضات محترم حاضر در جلسه به شرح ذیل معروض می‌دارد:

مانطور که ملاحظه می‌فرمایید شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از اعدام را، قطعی و غیر قابل تجدیدنظرخواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آراء مورد بحث، آنها را غیرقابل طرح در دیوان عالی کشور دانسته‌اند ولی شعب چهل و پنجم و چهل و ششم بر خلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت‌های غیر از اعدام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظرخواهی‌های به عمل آمده در حدود مقررات ماده ۴۶۹ نون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده‌اند.

لر به اینکه ماده ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ صراحتاً احکام محکومیت (غیر اعدام) را قطعی اعلام کرده است و طبق ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام‌خواهی تابع قوانین مجری در زمان صدور آنها می‌باشد، قابل تجدیدنظر دانستن این احکام نیاز به تصریح قانون دارد و طبق ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ماده ۳۲ قانون مذکور نسخ صریح گردیده است و در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که آراء دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود که در آن علت ذکر شده است و صوص‌العله می‌باشد نباید به احکام قطعی دست زد و آنها را بدون مستند قانونی قابل تجدیدنظر دانست و نمی‌توان به اطلاعات باره و به عمومات مثل اینکه کلیه احکام قابل تجدیدنظر است، فرآیند دادرسی دو مرحله‌ای است، استناد کرد زیرا باید مستند نونی صریح داشته باشیم و اینگونه احکام محکومیت (غیراعدام) نیز رسیدگی دو مرحله‌ای خود را طی کرده‌اند و ما در دادستانی ب در رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر از چهار یا پنج نظر قضایی همکاران استفاده می‌کردیم. در مورد اینکه قانون مبارزه با مواد خدر مؤثر بوده یا خیر، نیاز به بررسی دارد و ما در مقام اجرای قانون هستیم. اگر این‌گونه آراء که قطعی و غیرقابل تجدیدنظر هستند لاف قانون یا شرع بین تشخیص داده شوند باید برابر راهکارهای پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مل کرد، لذا احکام محکومیت (غیراعدام) مربوط به جرائم مواد مخدر صادره قبل از ۱/۴/۱۳۹۴ را قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌دانم نظر به تأیید آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور دارم.»

: رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵-۲۶/۸/۱۳۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

لر به اینکه ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از ماده ۳۲ قانون اصلاح نون مبارزه با مواد مخدر ... مصوب ۱۷/۸/۱۳۷۶، آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۳۱/۳/۱۳۹۴ صادر گردیده، قطعی و لازم‌الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر فرجام‌خواهی نسبت به این آراء وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آراء با لحاظ حکم مقرر در ماده ۴ نون مدنی که مقرر می‌دارد «اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات اصری نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» منصرف از آراء مورد اشاره است، بر این اساس، آراء شعب سی و هشتم و چهل و هارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون اخیرالذکر موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور